

سیروس میمنت، بازیگر:

در مورد من تست گرمی زده نشد

بود از این جهت هر روز ما از ۶ صبح آفیش می شدیم و جالب اینکه مثلا در یکم اردیبهشت که قسمت ۲۲ پخش شد، من برای ضبط قسمت ۲۴ آفیش بودم. قطعا این فشردگی در کار، سختی های خاص خود را داشت که به شکر خدا همه را گذراندم. عشق به بازیگری موجب می شود که ما بازیگران از همه چیز خود بگذریم، حتی این گروه در ایام عید نه دید و باز دیدی رفتند و نه این ایام را درک کردند.

آقای میمنت بیشتر در چه نقشی، علاقه مند است هنر نمایی کند؟

امروزه متأسفانه کار خوب کم است. اگر کل عوامل و بازیگران خوب باشند، همه نقش ها خوب هستند. خود من چندان به نقش های خیلی مثبت و پاستوریزه علاقه ای ندارم. کمدی یا جدی بودن نقش برای من فرقی ندارد، نقش هایی که جذابیت داشته و سیاه و سفیدی را توأم دارند مثل دزد یا آدم کشی که بنا بر دلایلی دست به چنین کاری زده و به بیراهه رفته، برای من و هر بازیگر دیگری جذاب است. امیدوارم بینندگان این نقش را دوست داشته باشند و آرزو دارم هموطنانم در سال پیش رو شرایط خوبی داشته باشند. گرفتاری و آزاده خاطری از آنها دور باشد، مشکلات معیشتی، اقتصادی و سایر گرفتاری ها حل شوند، حال همه خوب باشد و همه مردم ایران خوشحال باشند.



آقای میمنت از حضور خود و نحوه دعوت به کار در پروژه «قول مردونه» برای خوانندگان بگویند؟

با توجه به دوستی سی ساله ای که با ایرج محمدی تهیه کننده کار، داشتم برای این نقش در نظر گرفته شدم و من فقط در مورد نقش سوال کردم و به این نتیجه رسیدم که نقش خوبی است و آن را پذیرفتم، البته کاراکتر من نیاز به گرم خاصی نداشت و در مورد من تست گرمی زده نشد.



بازی در کنار هنرمندان جوان و جدید در مقابل همکاران قدیمی تر خود را چگونه دیدید و تقابل دو نسل چگونه بود؟

تجربه خوبی بود از آنجا که با برخی بازیگران مثل محمد فیلی، محمدرضا هدایتی، شهره سلطانی از قبل همکاری داشتم. از چهره های جدید جمع می توانم به باسط رضایی اشاره کنم که در آغاز راه است و امیدوارم شرایط و موقعیتی که در آن قرار دارد درک کند و قدر موقعیت خود را بداند. این صنف، صنفی است که همه آن ها که وارد می شوند، احترام پیشکسوت های خود را دارند و خدا را شکر محیط هنری جایی است که احترام گذاشتن و مانند آن را می توان به وضوح مشاهده و لمس کرد.

در پیشبرد «قول مردونه» چه مشقات و سختی هایی به جان خریدید و آنها را از سر گذرانید؟

با توجه به اینکه بخش اعظم کار در فصل زمستان تصویربرداری شد، تحمل سرمای زمستان در پلان های خارجی به ویژه پلان هایی که در شب ضبط می شدند، کار سختی بود؛ اینکه گاه به دلیل راکورد سکانس قبلی، لباس های همان سکانس را بر تن داشته باشی سرمای محیط را دو برابر حس می کنی. وجود چنین سختی هایی لازم کار ما است هر چند که در نگاه اول الزام وجود آن ها برای بیننده احساس نمی شود. چیزی که شاید کمی بیشتر ما را اذیت کرد، آماده شدن کار برای هفته دوم عید

مسعود حق، برنامه ریز و بازیگر:

کار یز ما بودن دهه شصت، کار را سخت تر می کند

قابل احترامی است. این را به عنوان کسی که سابقه همکاری با خیلی از کارگردان ها دارد، می گویم. با توجه به فشردگی کار، آرامشی که از طرف کارگردان به صحنه و محیط پیرامون او منتقل می شد و حال خوب کارگردان همیشه برای کل عوامل کمک کننده و پیش برنده بود. به هر حال بیش از ۴ ماه تولید با این حجم از بازیگران کار آسانی نبود اما با توجه به سوابقی که کلیه عوامل از جمله خود من پیشتر در سینما و تلویزیون داشتیم، این سختی ها را قابل تحمل می کرد.

به عنوان یک برنامه ریز و دستیار کارگردان، درباره انتخاب فضاهای متناسب با حال و هوای سریالی که در دهه ۶۰ روایت می شود، بیشتر توضیح دهید.

برای این سریال می بایست لوکیشن هایی انتخاب می شد که صدای مزاحم محیطی که در آن دوران کمتر و قدری متفاوت تر بوده، وجود نداشته باشد و حتما باید یک آرامش نسبی بر فضا حاکم باشد تا صدای در و دراز و فیلمبرداری برای ضبط به مشکل برخوردند. قبل از شروع کار به اتفاق آقای طاهر فر و آقای نوروزی، فیلمبردار کار، لوکیشن های زیادی را مورد بررسی قرار دادیم تا حال و هوای دهه شصت در آن ها بیشتر تداعی شود. با توجه به اینکه این دهه یکی از عجیب ترین دهه در زندگی ایرانیان است، می بایست کار یز مایی آن دهه در کار حفظ می شد؛ چرا که اغلب جمعیت کنونی کشور آن دهه را تجربه کرده اند و اگر جای چیزی درست نباشد، مخاطب سریع متوجه آن می شود که این یکی از سختی های کار برای سوزهای است که در دهه ۶۰ اتفاق می افتد. همه تلاش عوامل «قول مردونه» بر این بود که حتی در انتخاب جزئی ترین لوازم صحنه، انتخاب رنگ برای دیوارهای خارجی منازل و آذین بستن کوچه ها بتوانند آن حال و هوا را به مردم منتقل کنند.

لوکیشن های سریال در چه محدوده ای قرار داشتند؟

لوکیشن های متعددی برای کار در نظر گرفته شده بود. یکی از آن ها که فضای خانه بود مربوط به محله شاپور تهران است، مغازه ها از جمله عکاسی و املاکی که حدود ۱۲ مغازه بودند همگی سمت کارخانه پشم ریسی در چهار دونه ساخته شدند. دو ماه و نیم ساخت این مغازه ها زمان برد. به هر حال امیدواریم که توانسته باشیم رضایت بینندگان را جلب کنیم.

آقای حق، لطفا از کاراکتر نقشی که بر عهده دارید، بفرمایید و اینکه چگونه برای این نقش انتخاب شدید؟

برادر شهروز، تنها کاراکتر منفی سریال است که کمدی ندارد و کاملا جدی و مطلقا منفی است تا نمادی از منفور بودن و قسی القلب بودن منافقان را به تصویر بکشد. پیشتر قرار بر حضورم در نقش دیگری در مجموعه بود که کاراکتر کمدی داشت و قرار بود از قسمت هفدهم به داستان مجموعه اضافه شود، ولی به دلیل حجم و سرعت بالای سریال، ورود او را در این مدت کوتاه نمی شد جمع بندی کرد و تصمیم بر حذف آن شخصیت و ورود شهروز گرفته شد و از آنجا که قرار بود شخصیت جدی داشته باشد طی گفت و گو هایی که کارگردان با من داشت این شخصیت به من سپرده شد و با یک همفکری تصمیم بر این شد که در ۸ قسمت پایانی این شخصیت، خون جدیدی را به کار تزریق کند و به واسطه این شخصیت به نتیجه نهایی برسیم.



درباره اولین

همکاریتان با کارگردان

«قول مردونه» و

اینکه انجام چند

کار در یک

پروژه، چه

سختی هایی

داشت؟

آقای

طاهر فر

کارگردان

آرام و



دوری از پایتخت، دیده نشده و به کار گرفته نشده و در حق آن ها ظلم شده است. در هیچ دورهای، هیچ دولت و سازمان سینمایی و هنری - علیرغم تلاش هایی که شد - نتوانست این دیوار را کوتاه کند و همه فروتن ها و رضایی ها و قتی دیده شدند، که از این دیوار عبور کردند. این مسأله در مورد خانم ها و دختران هنرمند و با استعداد در شهرستان ها بسی سخت تر است و آنها از دیوار دوم یعنی محدودیت های خانواده و جامعه نیز باید، عبور کنند. من به نوبه خود از وجود چند نفر از این استعدادها هم در «آپاراتچی» و هم در «قول مردونه» استفاده کردم که به اندازه نقش خود درخشیده و باور پذیر بودند.

با این وجود برای انتخاب بازیگر نقش اول چنین سریالی آن هم از شهرستان ریسک بزرگی کردید؟

در مسیر انتخاب نقش اول مسیر سختی در پیش داشتیم؛ ابتدا به دلیل مقطع سنی که بازیگر باید آن را بازی می کرد و دوم اینکه باید از بازیگری استفاده می شد که بازی او صرفا به سمت کمدی نرود. و گرنه بودند بازیگران مستعد و کمدین های دیگری که مناسب این نقش باشند. باسط رضایی که قبل از آن در پروژه شهید هاشمی حضور داشت، توسط یکی از بازیگران اصلی آن پروژه، معرفی شد و در فضای این کار جای گرفت و انتخاب درستی هم بود.

در قاب بندی های به جا و گاه سینمایی، نقش عواملی همچون تصویربرداری و طراح صحنه، چقدر موثر بوده است؟

هر اثر تلویزیونی و یا سینمایی نتیجه یک کار گروهی است و در خلق چنین قاب هایی از لباس و اکسسوار گرفته تا حرکت، نور و تصویر همگی به یک اندازه تأثیر گذار هستند. کار در فضای دهه شصت نیازمند شناخت و تسلط بر رنگ، هارمونی و اجزای آن دوره است که یک پیشینه ذهنی و مطالعه در باره آن را می طلبد که شاید برای کسی که آن دوره را تجربه نکرده قدری سخت باشد، اما برای کسی مثل خود من که در آن دوران زیست کرده و از آن عبور کرده است به مراتب سهل تر است؛ طوری که به جزئیاتی مثل خود کار استفاده شده نیز، توجه دارد. نیت اصلی من از ساخت این سریال شهدا و به ویژه خانواده شهدای ترور بوده که بتوانم در کنار همه خانواده های ایرانی، لبخندی بر لبان این داغ دیدگان بنشانم.

و حرف آخر؟

به قاعده بر هر اثر و مجموعه ای انتقادات و ایراداتی وارد است، هر چند که بخش مجموعه در شبکه سسه و در ایام نوروز اتفاق خوبی بود که برای سریال رقم خورد، اما گاه به دلیل تداخل

زمانی با پخش فوتبال و ساعت پخش سریال تغییر می کرد، که شاید یکی از ایراداتی بود که بر ما گرفته می شد. مسئله مهمتر قرارگیری در فوریت زمانی پخش بود که موجب شده ما همچنان تا آخرین روزهای پخش، فیلمبرداری را ادامه دهیم. در نهایت با همه کم و کاستی های مجموعه، آرزو داریم هدف اصلی ما که کسب لوح رضایتمندی، از عموم جامعه است، رقم بخورد و ما سهم اندکی در شاد کردن مردم سرزمین مان داشته باشیم.